احصائیه مدارس ایران

صحیحی، ح

اخیرا سالنامهء احصائیهء وزارت معارف بدستم رسید.انتشار آن‏ ما را یک قدم دیگر بطرف ترقی و فهم احصائیه که یکی از بهترین اصول‏ تدقیق اجتماعی و اخلاقی است پیش میبرد.این اولین احصائیه‏ایست‏ که از طرف وزارت معارف ایران منتشر میشود و دارای دوق سمت است: چهل صفحه آن حصائیه‏های سه ساله اخیر مدارس و بودجهء وزارت معارف‏ است و مابقی اسامی مدارس ایران،صورت نمایندگان معارف در ایالات‏ و غیره است که مربوط باحصائیه نیست.ما میخواهیم در قسمت اول این‏ کتاب مطالعاتی بنمائیم.چنانکه مؤلف آن در مقدمه مینویسد«از سال‏ اول تاکنون با وجود اشکالات زیادی که مانع جمع‏آوری اطلاعات احصائیه‏ بوده از قبیل عدم اعتیاد مدیران مدارس و نمایندگان معارف به تنظیم‏ نمونه‏ها و مدل‏ها و عدم توجه باینگونه امور....»معذالک شعبه‏ احصائیه وزارت معارف موفق گشته احصائیه‏های سه سال مکتبی 1301- 1302،1302-1303،1303-1304 را ترتیب و بشکل سالنامه‏ منتشر نماید.بنابراین بیانات احصائیه‏های دو سال اول چندان طرف اعتماد نیست زیرا بطور قطع مبین حقیقت نیستند ولی از مطالعه احصائیه‏های‏ سال سوم(1303-1304)نسبة میتوان پی بدرجه وسعت معارف مملکتی‏ برده ذوق و توجه اهالی را راجع به تحصیل و تعلم دریافت.

صرف‏نظر از مدارس عالی که عده آنها کم و محدود بطهران است، در تمام ایران 12 مدرسه متوسطه شش ساله،74 مدرسه متوسطه‏ سه سال و 648 مدرسه ابتدائی وجود دارد.تعداد مدارس متوسطه‏ ما نیز چندان قابل ملاحظه نیست و چون اغلب آنها دارای کلاسهای‏ ابتدائی نیز میباشند میتوانیم عده مدارس ابتدائی ایران را به 700 بالغ‏ نمائیم حال اگر بخواهیم بدانیم که بطور متوسط یک باب مدرسه ابتدائی‏ بچند نفر ایرانی تخصیص دارد و اگر جمعیت ایرانرا ده ملیون فرض کنیم می‏بینیم که برای هر چهارده هزار نفر ایرانی یک مدرسه ابتدائی‏ تأسیس شده!در صورتیکه در فرانسه برای هر پانصد نفری یک مدرسه‏ ابتدائی هست.

در صفحه 7 سالنامه«گرافیک»روشنی راجع به تعداد مدارس‏ ترتیب داده شده که در آن اولا مدارس مذکور و اثاث را ثانیا مدارس را از حیث اینکه دولتی،ملی و یا خارجی هستند با یکدیگر مقایسه میکند:

در مدارس خارجی عده مدارس اثاث فرق جزئی با مدارس ذکور دارد(به نسبت 18 و 23)

در مدارس ملی عده مدارس اثاث قدری کمتر از چهار برابر مدارس ذکور است(به نسبت 47 و 161)

بالاخره در قسمت مدارس دولتی نسبت مدارس اثاث بمدارس‏ ذکور مثل نسبت یک میشود به 9!

پس از این«گرافیک»چنین نتیجه گرفته میشود که اولا بطور کلی‏ مدارس ذکور بیشتر از مدارس اثاث(تقریبا سه برابر و نیم)و ثانیا ملت ایران کمتر از خارجیها و دولت کمتر از هر دو بمدارس نسوان‏ اهمیت میدهد.

قبل از اینکه بمقایسه محصلین و محصلات بپردازیم یک نکته قابل‏ توجه اینست که عده مکاتب با وجود اینکه تماما احصائیه نشده تقریبا دو برابر مدارس رسمی است در خود طهران که نسبتا مردمانش منور الفکر ترند عده مکاتب بالغ بر دو ثلث مدارس میشود شاید برای اینست که به‏ سیستم قدیم تعلیم و به تربیت ملاباشی و ملاباجی بیشتر علاقه‏مند هستیم

از مقایسه محصلین با محصلات درجه تأخر نسوان در تحصیل‏ واضح‏تر میگردد.

(1)مدارس عالیه فقط جهت محصلین ذکور تخصیص داده‏ شده و در بهای آنها هنوز بروی محصلات باز نشده است.

(ب)در مدارس متوسطه 6 ساله:419 نفر محصله و 12886 نفر محصل(یعنی بیش از هفت برابر))یافت میشود

 (ج)در مدارس متوسطه سه سال:3047 نفر محصله و 11440 نفر محصل(یعنی سه برابر و نیم بیشتر)یافت میشود

(د)در مدارس ابتدائی:10972 نفر محصله و 44988 نفر محصل(یعنی 4 برابر بیشتر)یافت میشود

(هـ)در مکاتب:محصلات تقریبا چهار برابر و نیم کمتر از محصلین هستند

(و)بالاخره در مدارس قدیمه نسوان بهیچوجه تحصیل نمیکنند. خلاصه از ملاحظه گرافیک شاگردان صفحه 15 معلوم میشود که عده‏ محصلین تقریبا 5 برابر عده محصلات است!اما در فرانسه در سنه 1923 عده محصلات تقریبا مساوی عده محصلین بوده است.

جمع کل معلمین مدارس ایران بالغ به 4287 نفر میشود ولی چون‏ یک عده از آنها در دو یا سه مدرسه تدریس میکنند بنابراین عده حقیقی‏ اموزگاران مملکت ما از این عده که قلمداد شده کمتر است و اگر بخواهیم‏ در بین آنها اشخاصی که از دار المعلمین یعنی از کارخانه معلم‏سازی خارج‏ شده‏اند بشماریم با کمال افسوس باید در عدد 20 یا 30 توقف کنیم‏ زیرا بطور یقین اگر کمتر از این عه نباشد بیشتر نیست.

بطور خلاصه پس از قدری مطالعه در سالنامه رسمی وزارت معارف‏ ملاحظه میشود که نه فقط تعلیم عمومی در مملکت ما صورت خارجی ندارد بلکه تعلیم وسیع الانتشار را نیز آنطوریکه آقای تقی‏زاده عقیده دارند فاقدیم و باید اعتراف کنیم که با این عده محصل و معلم و با این عده مدرسه‏ مثل اینست که معارف در ایران تازه تولد شده و هنوز در مراحل اولیه‏ صباوت است و تا اینکه بدرجه معارف اروپائیان برسد و ثمر اتیرا که در آنجا بخشیده در اینجا ببخشد سالها و عمرها لازم دارد ولی بعقیده ما اگر قدری بفداکاری خود بیافزائیم و سعی و اراده را محرک اقدامات‏ خود قرار دهیم ممکن است راهی را که اروپائیان در دو یا سه قرن‏ پیموده‏اند ما در عرض 50 الی 100 سال به پیمائیم نه این باشد که ما خود را از آنها باهوش‏تر و زیرک‏تر فرض کنیم بلکه میتوانیم از ماحصل‏ زحمات انها استفاده کرده علوم و معارفیرا که در نتیجه زحمات و تجربیات‏ فراوان بعرصه وجود آورده‏اند کسب و تحصیل نمائیم.